

ضرورت فراتر رفتن از تظاهرات

امواج توفانی که آغاز شده است، یکی پس از دیگری فرامی‌رسد. در یک دوران انقلابی، جنبش موج‌وار حرکت می‌کند و هر موج جدید قدرتمندتر و رادیکال‌تر از موج پیشین رخ می‌دهد. البته نه با این نگرش ساده که گویا همه چیز در یک خط صاف، مستقیم و بی انحناء به پیش می‌رود، بلکه امواج کوتاه‌تر میان دو موج بلند و عقب‌نشینی‌های موقتی، ذاتی تمام روند تحول‌اند. در جریان این حرکت موج‌وار به پیش، نه فقط جنبش از رشد کمی، بلکه کیفی نیز برخوردار می‌گردد. توده‌ای که به مبارزه روی آورده است مدام آگامتر می‌شود، تجربه می‌اندوزد و توأم با آن، اشکال مبارزه، سازمان‌دهی، شعارها و مطالبات خود را ارتقاء می‌دهد.

فرارسیدن موج دوم جنبش در مردادماه بار دیگر بر این حقیقت مهر تأیید زد که جنبش کنونی توده‌های مردم ایران محدود به چهارچوب‌های قانونی نیست، بلکه جنبشی انقلابی برای دگرگونی تمام نظم موجود است.

مبارزات مردادماه، این بار با تظاهرات گسترده کارگران و زحمتکشان شهرک صنعتی شاهپور جدید در ۹ مرداد با شعارهای مرگ برگرانی، مرگ بر بیکاری، کارگر می‌میرد ذلت نمی‌پذیرد در اصفهان آغاز گردید و به سرعت به کرج، قزوین، قرچک، شیراز، رشت، تهران، ساری، مشهد، کرمانشاه، زنجان، اهواز و برخی شهرهای دیگر، گسترش یافت. در این دور از مبارزات، علاوه بر تظاهرات گسترده‌ای که طی چند روز در اصفهان در جریان بود، گورهدشت کرج نیز یکی از کانون‌های مهم مبارزه بود که در جریان درگیری مردم مبارز با نیروهای مزدور حکومت، یکتن به دست پلیس به قتل رسید و حکومت‌نظامی اعلام‌نشده‌ای برقرار گردید. در اغلب شهرهایی که در آن‌ها تظاهرات برگزار شد، پلیس ضد شورش وحشیانه با مردم معترض برخورد کرد و از گاز اشک‌آور و گلوله‌های پلاستیکی و ساچمه‌ای استفاده نمود. توده‌های مردم، قهرمانانه در برابر وحشی‌گری نیروهای سرکوب مقاومت کردند، با آتش زدن لاستیک در خیابان‌ها و پرتاب سنگ، با پلیس ضد شورش و بسیجیان درگیر شدند و در برخی موارد وسایل نقلیه مزدوران رژیم را به آتش کشیدند. در جریان تظاهرات شهرهای مختلف، صدها تن از مردم دستگیر شدند. آمار دقیقی از دستگیرشدگان و سرنوشت آن‌ها در دست نیست. شعارهایی که در این موج تظاهرات عمومیت داشت، مرگ برگرانی، مرگ بر بیکاری، مرگ بر دیکتاتور، اصلاح‌طلب اصولگرا، دیگه تمومه

در صفحه ۲

از برکناری وزیر کار تا به زیر کشیدن تمام نظم موجود



در جلسه روز چهارشنبه ۱۷ تیر و استیضاح علی ربیعی وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، مجلس با ۱۲۹ رای موافق، ۱۱۱ رای مخالف و ۳ رای ممتنع از مجموع ۲۴۳ رای، وی را از وزارت کار برکنار کرد. ربیعی که در جریان دو استیضاح قبلی از چنگ رقبا گریخته و در استیضاح اسفندماه ۹۶ یعنی حدود دو ماه بعد از خیزش‌های توده‌ای، تنها با اختلاف یک رای در مقام خود ابقاء شده بود، این بار اما که

در صفحه ۳

رئوس برنامه فوری سازمان فدائیان (اقلیت) برای سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری حکومت شورائی

در صفحه ۴

هراس افکنی، سلاح جدید "اصلاح طلبان" در مقابله با انقلاب توده ها

جامعه و توده های مردم ایران در تب و تاب یک انقلاب اند. یک انقلاب اجتماعی که به فوریت برای آنان، آسایش و رفاه، بهداشت و درمان رایگان، تامین انواع بیمه های اجتماعی، تهیه امکانات یک زندگی مناسب، جدایی کامل دین و دولت، ایجاد امنیت و تامین آزادی های فردی و اجتماعی از جمله آزادی کامل فکر، عقیده، بیان، مطبوعات، اجتماع، تظاهرات و اعتصاب، تشکل و فعالیت احزاب و سازمان های سیاسی، اتحادیه های کارگری، شوراها و تشکل های صنفی و دمکراتیک را به ارمغان آورد.

در صفحه ۸

کوه لریزید و غرید و سر آخر موش زایید

روز یکشنبه ۱۴ مرداد، هیات دولت در جلسه‌ی خود، بسته جدید اقتصادی را تصویب کرد. بسته‌ای که گویا قرار بود مشکلات اقتصادی را حل و ارزش ریال را تثبیت کند. تمام بلندگوهای تبلیغاتی رژیم هم بلافاصله شروع به کار کرده و از اهمیت این بسته و تأثیر آن در بازار سخن گفتند. این که دلار در بازار سیاه مشتری ندارد،

در صفحه ۶

سخنان روحانی بازتاب وضعیت جمهوری اسلامی

سرانجام روحانی پس از غیبتی طولانی دوشنبه شب ۱۵ مرداد، در مصاحبه‌ای فرمایشی تحت عنوان "گفتگو با مردم" ظاهر شد. وی در این مصاحبه، طبق انتظاری که می‌رفت، حرفی برای گفتن نداشت یا حداقل حرفی که پاسخی باشد بر سوالات متعدد یا دارای رامکاری برای مشکلات متعدد پیشروی مردم. او در این

در صفحه ۵

ضرورت فراتر رفتن از تظاهرات

ماجرا، ایرانی باعیرت! حمایت! حمایت! ایرانی داد بزن، حقو فریاد بزن، توپ، تانک فشفشه، آخوند باید گم بشه، سوریه را رها کن فکری به حال ما کن، سکوت هر ایرانی خیانت است به ایران، گرانی، تورم، بلای جان مردم، مرگ بر خامنه‌ای، مرگ بر روحانی، بود.

بهرغم قهرمانی، فداکاری و از خودگذشتگی مردمی که در تظاهرات مردامه مشارکت داشتند، شعارهای رادیکال سر دادند و قهرمانانه در برابر نیروهای سرکوبگر مزدور ایستادند، باید گفت این جنبش هنوز در مراحل اولیه خود قرار دارد و طبیعتاً نقاط ضعف متعددی دارد. این جنبش، باید مراحل دیگری را طی کند، نقاط ضعف خود را برطرف نماید و اعتلا یابد تا بتواند به هدف اصلی خود دست یابد. هنوز بخش بزرگی از توده‌های کارگر و زحمتکش به این جنبش نپیوسته‌اند، هنوز طبقه کارگر به‌عنوان یک طبقه متشکل و مستقل وارد این جنبش نشده است و هنوز این جنبش به آن اشکال عالی‌تر مبارزه که بتواند عموم توده‌های کارگر و زحمتکش را در سراسر ایران در برگیرد و رژیم و نیروهای سرکوب آن را فلج کند، نظیر اعتصابات عمومی اقتصادی و سیاسی، ارتقاء نیافته است. به‌عبارت‌دیگر، اگر مسئله را صرفاً از زاویه رشد جنبش بررسی کنیم و فاکتورهای دیگر را در ارزیابی اوضاع سیاسی کنار بگذاریم، برخلاف تصور برخی که انتظار ضربه قطعی جنبش را در همین لحظه دارند، باید گفت، هنوز در نخستین مراحل جنبشی قرار داریم که هدف آن نفی نظم موجود است. درک این مسئله از آنرو حائز اهمیت است که بتوان سیر تحول جنبش را با طرح شعارهای درست، اشکال مبارزاتی منطبق با سطح کنونی توان مبارزاتی مردم و شکل‌های سازمانی منطبق با درجه پیشرفت مبارزه، تسریع نمود. به‌ویژه باید به نقاط ضعف این جنبش پرداخت و برای برطرف کردن آن‌ها تلاش نمود.

مهم‌ترین نقطه‌ضعف جنبش کنونی در این است که در این مرحله اساساً متکی به شبکه‌های اجتماعی است. شبکه‌های اجتماعی البته می‌توانند کمک مؤثری به پیشبرد مبارزه و سازمان‌دهی اولیه بکنند، اما قطعاً نمی‌توانند ابزار مؤثری برای سازمان‌دهی جنبشی باشند که هدف آن برپایی یک انقلاب، سرنگونی رژیم حاکم و نظم موجود است. از برخی جهات حتی می‌توانند خطرناک و ضربه زننده نیز باشند. نمونه آن فراخوان‌های بی‌نام‌نشان است که صادر می‌شوند و دست‌به‌دست می‌گردند. یا شعارهایی که با پیشرفت جنبش در لحظه کنونی همخوانی ندارند، یا در خدمت انشقاق و پراکندگی‌اند.

پس، نخستین وظیفه‌ای که در برابر این جنبش قرار دارد، تبدیل رابطه مجازی به یک رابطه مادی و عینی است. اکنون جنبش‌های اعتراضی، عمومی و محلی‌اند. در محلات و شهرها شکل می‌گیرند، بنابراین شکل سازمان‌دهی این جنبش، شوراهای محلات است. مردم یک محله یا شهرهای کوچک‌تر یکدیگر را می‌شناسند. می‌دانند هرکسی چه‌کاره است، موضع و رابطه او با رژیم چیست، آمادگی برای مبارزه در چه حد است و غیره. بنابراین کار دشواری نیست که

با ابتکار بخش فعال‌تر و آگاه‌تر جنبش، در هر محله‌ای، مردم محل، به‌ویژه جوانان که بخش فعال‌تر مبارزه‌اند و افراد مورد اعتماد مردم، شوراهای محلات را تشکیل دهند. تشکیل این شوراهای کمک بسیار مؤثری به پیشبرد مبارزه است. این شوراهای وقتی که تشکیل شوند، قادرند ابتکار عمل را در مبارزه به دست‌گیرند. با شوراهای محلات دیگر ارتباط برقرار می‌کند، فراخوان مبارزه را صادر کنند. هدایت و رهبری این مبارزه را در دست‌گیرند و اجازه ندهند در جریان مبارزه، عناصر پلیس مخفی رژیم در رهبری و هدایت تظاهرات نفوذ کنند. از سوی برخی افراد یا پلیس مخفی، شعارهای انحرافی سر داده شود. شوراهای محلات رتق‌وتفوق امور روزمره مردم محلات و شهر را در دست خود می‌گیرند. برای پیشبرد مبارزه از مردم محل کمک بگیرند. وقتی که شوراهای محلات تشکیل‌شده باشند، آن‌ها دیگر اجازه نمی‌دهند که فراخوان‌های بی‌نام‌نشان صادر شوند. شوراهای محلات مردمان می‌توانند اطلاعیه صادر می‌کنند. مردم را به مبارزه دعوت کنند، شعار تعیین کنند، برای حفاظت از تظاهرات گاردهای ویژه سازمان‌دهی نمایند، مزدوران و سرکوبگران رژیم را شناسایی کنند، به آن‌ها اخطار دهند، آن‌ها را تهدید کنند. در مراحل پیشرفته‌تر مبارزه، تدارک نظامی ببینند و کمیته‌های مقاومت محلات را برای مقابله با نیروهای سرکوب تشکیل دهند.

وقتی که یک چنین کمیته‌هایی تشکیل‌شده باشد، می‌توان یکی دیگر از نقاط ضعف جنبش را برطرف کرد. در تعدادی از تظاهرات مردامه هرکسی که شعاری را سر می‌داد دیگران آن را تکرار می‌کردند. برخی از این شعارها نتهنها به نفع جنبش نیست، بلکه باعث تضعیف و ضربه به جنبش است. یک نمونه آن نقش خرابکارانه گروهی بود که در برخی از موارد شعارهای سلطنت‌طلبی سر دادند. یک چنین شعارهایی هم بهانه به دست رژیم برای سرکوب شدیدتر می‌دهد و هم این‌که مانع از پیوستن بخش وسیع‌تری از توده‌های مردم به جنبش می‌گردد. از این‌رو حتی می‌توان گفت که سردادن این شعارها می‌تواند یکی از تاکتیک‌های دستگاه‌های امنیتی-اطلاعاتی خود رژیم برای ایجاد شکاف در میان مردم باشد. اگر هم فرض کنیم که رژیم نقشی در سردادن این شعارها ندارد، کسانی که در رؤیای بازگشت سلطنت‌اند، باید بدانند مردمی که تجربه فاجعه‌بار رژیم سلطنتی و جمهوری اسلامی را دارند، دیگر اجازه نخواهند داد که یک رژیم استبدادی قرون‌وسطایی جای جمهوری اسلامی را بگیرد. سلطنت، این نهاد قرون‌وسطایی برای همیشه در ایران مرده است. در ایران سرنوشت جنبش هرچه باشد، و هر اتفاقی که رخ دهد، جایی برای بازگشت سلطنت وجود نخواهد داشت. بنابراین یکی از وظائف توده‌هایی که به مبارزه برخاسته‌اند این است که مانع تکرار شعارهای تفرقه‌افکنانه اخلال‌گران گردند. توده‌های مردم ایران برای حرکت به‌پیش به پا خاسته‌اند و نه بازگشت به گذشته. کارگران و زحمتکشانی که به نبرد برای سرنگونی جمهوری اسلامی برخاسته‌اند، این بار قدرت

سیاسی را به هیچ فرد و گروه، حزب و سازمان سیاسی، چپ باشد یا راست نخواهند سپرد، بلکه از طریق شوراهایی که در جریان انقلاب شکل می‌گیرند، زمان آن که فرابرسد، خودشان حکومت شورایی برپا می‌دارند و مستقیماً اعمال حاکمیت خواهند کرد.

برای این‌که جنبش به‌خوبی پیشرفت کند، باید این هرج‌ومرج در طرح شعارها از بین برود و به‌جای آن‌ها شعارهای عمومی توده مردم مطرح شوند. شعار مرگ بر دیکتاتور، یا شعار علیه سران رژیم، شعار علیه گرانی، بیکاری و فقر، متعلق به عموم توده‌های زحمتکش و مبارز مردم است. شعار کارخان- آزادی یکی دیگر از شعارهای عمومی مردمی است که به مبارزه برخاسته‌اند. میلیون‌ها تن از جوانان و کارگران بیکارند. آن‌ها کار می‌خواهند. مردم از گرانی، فقر و گرسنگی به تنگ آمده و خواهان تأمین معیشت هستند، آن‌ها نان می‌خواهند. آزادی‌ها و حقوق دمکراتیک توده‌های وسیع مردم از آن‌ها سلب شده است، زنان در معرض تبعیض‌اند. مردم از دیکتاتوری و استبداد بیزارند، آزادی می‌خواهند. شعار کارخان- آزادی شعار متشکل کننده عمومی است و می‌تواند میلیون‌ها تن را به مبارزه‌ای سرنوشت‌ساز بکشاند.

آخرین نکته‌ای که باید بر آن تأکید نمود این است که راهپیمایی و تظاهرات خیابانی گرچه یکی از اشکال مهم مبارزه علیه جمهوری اسلامی است، اما این شکل از مبارزه هر آنچه هم که قدرتمند باشد به تنهایی قادر به سرنگونی یک رژیم سرتاپا مسلح و بی‌رحم نیست. باید به اشکال متنوع‌تر و عالی‌تری از مبارزه روی آورد. یکی از مهم‌ترین این اشکال مبارزه، اعتصابات عمومی و سراسری سیاسی است. هرچه جنبش گسترده‌تر و توده‌ای‌تر می‌شود، سیر خود به خودی مبارزه در یک دوران انقلابی به چنین اعتصاب‌هایی منجر خواهد شد. اما می‌توان به تسریع آن‌ها یاری رساند. نیروی محرکه جنبش اعتراضی و تظاهرات توده‌ای، کارگران و زحمتکشان و فرزندان آن‌ها هستند. یکی از وظائف آن‌ها در محل کار و زندگی و در جریان تظاهرات، فراخواندن کارگران، معلمان، پرستاران، روزنامه‌نگاران، کارمندان ادارات و دیگر مؤسسات به ایجاد کمیته‌های اعتصاب و برپایی اعتصابات عمومی است.

تا این مرحله فرابرسد، باید از راهپیمایی و تظاهرات حداکثر استفاده را برای بسیج توده‌ای و فرسوده کردن نیروهای سرکوب دشمن کرد. وقتی که نیروهای سرکوب رژیم به یک راهپیمایی و تظاهرات بورش می‌برند، نباید فقط در یک نقطه با مزدوران رژیم درگیر شد و یا سنگربندی کرد، باید تظاهرات را به نقاط مختلف شهر کشاند، محلات و خیابان‌های مختلف را سنگربندی کرد. بدین طریق هم می‌توان نیروی سرکوب را پراکنده و فرسوده کرد و هم تداوم تظاهرات و ارتقای آن را به اشکال عالی‌تر تضمین کرد.

هنگامی که جنبش انقلابی به درجه‌ای توده‌ای شود و ارتقاء یابد که اعتصاب عمومی سیاسی برپا گردد، آنگاه تمام شرایط برای روی‌آوری به قیام مسلحانه و سرنگونی جمهوری اسلامی فراهم‌شده است.

از برکناری وزیر کار تا به زیر کشیدن تمام نظم موجود

بحران‌های اقتصادی و اجتماعی بسیار عمیق‌تر و شرایط سیاسی جامعه بحرانی‌تر، آسیب‌پذیری کل نظام بیشتر و کشمکش‌ها و اختلاف‌های درون حکومتی حادث شده است، نتوانست از چنگ رقیبان‌اش بگریزد و مجبور شد زمین بازی را به فرد دیگری واگذار کند که سهم رقیب را از قدرت و مکتب و منفعت اقتصادی و سیاسی بدهد. بحث‌های مرتجعین مجلس اعم از موافقین یا مخالفین استیضاح ریعی، ماهیت این اختلاف‌ها و کشمکش‌ها را به روشنی بیان می‌کند و به‌خوبی نشان می‌دهد که دعوا بر سر چیست؛ سوء استفاده از موقعیت شغلی، تخلف‌های بزرگ اقتصادی، فامیل‌بازی، لابی‌گری، رانت‌خواری، سلطه بر اموال و دارایی‌های عمومی، غارت و چپاول و دزدی و رشوه‌خواری کمترین اتهاماتی‌ست که موافقان و مخالفان استیضاح ریعی علیه یکدیگر مطرح کردند و پته هم را روی آب ریختند. لیست‌هایی انتشار یافت که حاکی از تخلفات گوناگون ریعی در ۴۱۷ شرکت زیر مجموعه سازمان تامین اجتماعی و ۱۸۷ شرکت زیر مجموعه سازمان بازنشستگی است. در جریان این نزاع خانوادگی و جدال بر سر منافع و موقعیت، فاش شد که بزرگترین مجموعه‌های تولید دارو و بزرگترین شرکت‌های حمل‌ونقل و نیز ۶۶ درصد سهام پتروشیمی جم، ۴۹ درصد سهام ستاره خلیج فارس و ۹۵ درصد سهام نفت پاسارگاد، در اختیار وزارتخانه‌ای بوده که ریعی در راس آن قرار داشته و با استفاده از موقعیت شغلی خود تا توانسته سوءاستفاده نموده است. فاش شد که دارودسته ریعی تحت نام و پوشش بیمه و تعاونی به "بنگاهداری و کارهای کلان اقتصادی" مشغول بوده و در صندوق بازنشستگان نیز تخلفات بزرگ اقتصادی داشته است. تمام ماجرای استیضاح و بحث‌های مجلس ارتجاع حول دزدی‌ها و سوءاستفاده جناح‌ها، حول پول و ثروت، قدرت، موقعیت و منافع اقتصادی دور می‌زد. نزاع بر سر این‌ها چنان بالا گرفت که طرفین دعوا علاوه بر فحش‌های لومپنی و استفاده از "کلمات رکیک" علیه یکدیگر، به درگیری فیزیکی نیز متوسل شدند به نحوی که لاریجانی رئیس مجلس مجبور به میانجی‌گری شد و از طرفین انتقاد کرد که چرا حرف‌هایی می‌زنند که "فضای کشور را ملتهب می‌کند!"

ریعی از وزارت کار برکنار شد و این بهایی بود که شخص وی و کل کابینه روحانی در جریان رقابت‌ها و بخاطر تشدید بحران‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بویژه بر متن تحولات سیاسی جامعه که توده‌های معترض و ناراضی برای برهم زدن تمام نظم موجود بپا خاسته‌اند، باید می‌پرداخت. رژیم‌های استبدادی و دیکتاتوری عریان، برای آن‌که و یا به خیال آن‌که به مردم بگویند فریادهای اعتراض‌آمیز آن‌ها را شنیده‌اند و در فکر چارچوبی معضلاتشان هستند، همواره آماده‌اند تحت شرایط معینی حتما عناصر نورچشمی خود را نیز قربانی کنند. در دوران رژیم سلطنتی ما با این پدیده روبرو بودیم. در دوره جمهوری اسلامی نیز قطعا از این موارد خواهیم داشت. هر قدر اعتراض و

نارضایتی در پایین گسترده‌تر و جنبش توده‌ای با اعتلاء بیشتری روبرو گردد و انقلاب و قیام نزدیک‌تر شود، این پدیده نیز نمود بیشتری پیدا می‌کند. برکناری وزیر که سهل است قرعه می‌تواند به نام رئیس‌جمهور یا کل کابینه بیافتد و فراتر از آن به زندان و اعدام افراد امین و مورد اعتماد رژیم هم بیانجامد. وگرنه همه دارودسته‌های حکومتی چه در مجلس ارتجاع و چه در کابینه که بی‌استثنا جملگی سرگرم ارتشاء و دزدی و اختلاس و کلاهبرداری هستند، این را می‌دانند که علی ریعی فقط یکی از مهره‌ها یا از شاه مهره‌های مهمی است که در زمینه مسائل امنیتی بویژه در سرکوب تشکل‌ها و شوراهای کارگری، کشتار کارگران آگاه و کمونیست و تثبیت موقعیت رژیم در محیط‌های کارگری، خدمات منحصر به فردی به جمهوری اسلامی رسانده است.

همه می‌دانند که علی ریعی در جمهوری اسلامی پست‌های کلیدی و مهمی برعهده داشته است. وی در دوران به اصطلاح سازندگی در زمان تصدی ری شهری تا سال ۷۴ معاون وزارت اطلاعات بود. از ۷۴ تا سال ۸۴ نیز در پست‌هایی چون معاون حقوقی و پارلمانی وزارت اطلاعات، عضو سپاه و مسئول اطلاعات سپاه در استان‌های شمال کشور، مدیرکل اطلاعات آذربایجان شرقی، عضو شورای فرماندهی پایگاه‌های تهران و قرارگاه حمزه و سیدالشهدا، رئیس دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی، مسئول اجرایی شورای عالی امنیت ملی و... خدمات شایان توجهی به رژیم جمهوری اسلامی و تحکیم موقعیت آن نموده است.

علی ریعی با نام مستعار "عباد" در شناسایی کارگران پیشرو و کمونیست، بازجویی و شکنجه مخالفین جمهوری اسلامی نقش مهمی ایفا کرده است. او کسی است که قبل از بازجویی و شکنجه زندانیان "وضو" می‌گرفت تا "اجر" و "افتخار" بیشتری نصیب خود سازد. چنان که همپالگی‌های وی نیز گفته‌اند در برخورد با مخالفان رژیم فوق‌العاده خشن و بی‌رحم بوده است. علی فلاحیان وزیر اطلاعات سابق رژیم که از آمران قتل‌های زنجیره‌ای است، در کتاب خاطرات خود از علی ریعی به عنوان "استاد عملیات روانی" یاد کرده و پُست "عماد" را "یک پُست کلیدی در امنیت کشور" می‌داند. افراط در سرکوب و بی‌رحمی و اعمال خشونت و شکنجه علیه کمونیست‌ها و دیگر مخالفان رژیم به حدی است که "روح‌الله حسینیان" از عناصر افراطی و یاران "سعید امامی" - عنصر اجرایی مرکزی قتل‌های زنجیره‌ای - نیز از افراط علی ریعی در اعمال خشونت علیه مخالفان نظام سخن گفته است.

علاوه بر این‌ها علی ریعی عضو حزب جمهوری اسلامی (شاخه کارگری حزب)، عضو موسس و شورای مرکزی خانه کارگر، مدیر مسئول و سردبیر روزنامه کار و کارگر و از جمله نخستین کسانی است که بورش وحشیانه به خانه کارگر در خیابان ابوریحان را که در آغاز محل تجمع کارگران کمونیست و پیشرو بود، سازماندهی نمود و خود شخصا در آن شرکت

داشت. وی در سرکوب و قلع و قمع شوراهای کارگری، اخراج، دستگیری، بازداشت و شکنجه کارگران پیشرو و نیز ایجاد شوراهای اسلامی در کارخانه‌ها، راسامداخه و مشارکت فعال داشت. گذشته‌های دور به کنار، کارنامه علی ریعی در همین دوره‌ای که وزیر کار بوده است به قدر کافی مورد پسند سرمایه و ارتجاع حاکم و بر ضد کارگران بوده است. وی طرح‌ها و لوایح ضد کارگری مهمی را به مجلس ارتجاع ارائه کرده و همین مرتجعینی که امروز با ریعی وارد نزاع شده‌اند، این طرح‌ها و لوایح را به تصویب رسانده که به مرحله اجرا درآمده‌اند. ریعی یورش‌های قبلی علیه طبقه کارگر از جمله یورش ناتمام علیه قانون کار را تکمیل کرد و لوایح دیگری را نیز که از دوره‌های قبلی مسکوت مانده بودند، به مجلس برد و به تصویب رساند. لایحه فوق‌ارتجاعی "اصلاح قانون کار" که در آخرین ماه‌های دوره ریاست جمهوری احمدی‌نژاد مطرح شد اما به دلیل مخالفت شدید و گسترده کارگران از دستور کار خارج شده بود، در دوره روحانی و توسط شخص ریعی دوباره به مجلس رفت تا هر گونه محدودیت و مانع و بند و ماده قانونی برای تحمیل استثمار حداکثری و بی‌حقوقی مطلق بر کارگران و سودرسانی بیشتر به سرمایه‌داران، از سر راه استنمارگران برداشته شود.

نمونه دیگر طرح "کاج" (کارآفرینی و اشتغال برای جوانان) است. این طرح که هدف آن در اساس تامین نیروی کار مفت و مجانی برای سرمایه‌داران و بیگاری کشیدن از دانش‌آموختگان دانشگاهی است، در واقع نسخه دیگری از طرح ارتجاعی "استاد شاگردی" است که در دوره احمدی‌نژاد عنوان گردید. اما این طرح نیز که به علت مخالفت و اعتراض شدید و گسترده کارگران، تشکل‌های کارگری و سازمان‌های سیاسی مدافع طبقه کارگر از دستور کار کابینه احمدی‌نژاد خارج شده بود، در دوره روحانی و توسط همین علی ریعی دوباره از بایگانی خارج و به مجلس ارتجاع ارائه شد که سال ۹۵ به تصویب رسید و به مرحله اجرا درآمد.

کارنامه سپاه و سراسر ننگین علی ریعی در زمینه اخراج‌ها و بی‌کارسازی‌های وسیع، تحمیل مقررات شبه بردگی بر کارگران، جاسوسی و خبرچینی و خرابکاری علیه کارگران پیشرو، فعالان و تشکل‌های کارگری از طریق اوباشانی چون محجوب در خانه کارگر، احضارها، دادگاه‌های جزایی، حبس و زندان و شلاق و شکنجه کارگران، بر همگان آشکار است. عملکرد ریعی به عنوان یک مهره مهم و مؤثر در زمینه خدمت به طبقه سرمایه‌دار حاکم و رژیم سیاسی پاسدار منافع این طبقه نیازی به توضیح ندارد. اما اگر که رژیم و مجلس آن امروز مجبور می‌شوند عذر یکی از مهم‌ترین و مطیع‌ترین مهره‌های نظام را بخواهند و او را از وزارت خلع کنند، این فقط گویای این واقعیت است که تضادها و اختلافات تا چه حد غیرقابل کنترلی تشدید شده و مهم‌تر از آن بیان این واقعیت است که نارضایتی و فشار از پایین، اعتراضات پی در پی کارگران، زحمتکشان و عموم تهرستان شهری و روستایی، چه ترس و وحشت مرگباری را در میان بالایی‌ها پدید آورده است.

رئوس برنامه فوری سازمان فدائیان (اقلیت) برای سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری حکومت شورایی



سازمان فدائیان (اقلیت) برای برپائی یک انقلاب اجتماعی و استقرار یک جامعه سوسیالیستی، متشکل از انسانهای آزاد و برابر مبارزه میکند. وظیفه سیاسی فوری این انقلاب، سرنگونی جمهوری اسلامی، در هم شکستن دستگاه دولتی موجود و برقراری یک دولت شورایی است که بی درنگ مفاد زیر را عملی خواهد ساخت.

معیشت یک خانواده ۴ نفره کارگری و بیمه اجتماعی کامل کارگران. ۴۰ ساعت کار و دو روز تعطیل پی در پی در هفته و یک ماه مرخصی سالانه با پرداخت حقوق کامل.

- تقلیل ساعات کار روزانه کارگران معادن، صنایع و دیگر موسساتی که با شرایط دشوار و مخاطره آمیز روبرو هستند به ۶ ساعت کار در روز و ۳۰ ساعت کار در هفته. ممنوعیت استخدام کودکان در سنین تحصیل زیر ۱۸ سال.

- شرایط بازنشستگی برای مردان حداکثر ۵۵ سال سن یا ۲۵ سال سابقه کار، برای زنان حداکثر ۵۰ سال یا ۲۰ سال سابقه کار خواهد بود. در رشته‌هایی که با شرایط دشوار، مخاطره آمیز و زیان آور روبرو هستند، شرط بازنشستگی حداکثر ۴۵ سال سن یا ۲۰ سال سابقه کار خواهد بود.

- برخورداری نمایندگان منتخب کارگران کارخانه از حق تصمیم گیری در مورد اخراج و نظارت بر استخدام. تدوین قانون کار با مشارکت، نظارت و تصویب تشکل‌ها و مجامع کارگری. تنظیم مقررات و آئین نامه داخلی کلیه مراکز تولیدی با نظارت و تصویب نمایندگان کارگران.

۸- لغو کلیه بدهی‌های دهقانان زحمتکش به دولت، بانک‌ها و کلیه مؤسسات مالی، سرمایه داران، ملاکین و رباخواران.

پرداخت وام بدون بهره به دهقانان زحمتکش و تأمین هرگونه کمک تکنولوژیک، ماشین آلات، کود، بذر و غیره. گسترش وسائل حمل و نقل، شبکه‌های آبیاری، آبرسانی و برق سراسری در روستاها. ایجاد و توسعه مراکز بهداشتی، درمانی و فرهنگی در جهت رفاه ساکنین روستاها.

۹- ملی کردن کلیه صنایع و مؤسسات متعلق به سرمایه داران بزرگ، انحصارات امپریالیستی و نهادهای مذهبی. ملی کردن بانک‌ها و ادغام آن‌ها در یک بانک واحد. ملی کردن وسائل ارتباطی و مؤسسات حمل و نقل بزرگ. ملی کردن تجارت خارجی و توزیع برنامه ریزی شده کالاها از طریق تعاونی‌ها.

ملی کردن کلیه اراضی، مراتع، جنگل‌ها و تمام منابع طبیعی و زیرزمینی. مصادره فوری کلیه اراضی، املاک، ابزار و وسایل تولید ملاکین و زمین‌داران بزرگ، موقوفات، بنیادهای متعدد مذهبی و انتقال فوری آن‌ها به دهقانان متشکل شده در شوراها، تعاونی‌ها و اتحادیه‌های دهقانی.

لغو مالیات غیرمستقیم و برقراری مالیات تصاعدی بر ثروت، درآمد و ارث.

لغو اسرار بازرگانی و برقراری کنترل شوراهای کارگری بر تولید و توزیع.

۱۰- لغو دیپلماسی سری و آگاهی عموم مردم از تمام مناسبات، مباحثات، مذاکرات، عقد قراردادهای پیمان‌ها با دول دیگر. لغو تمام قراردادهای اسارت‌تبار.

سازمان فدائیان (اقلیت)
مرداد ۱۳۹۷

فعالان و هواداران سازمان! مبارزان انقلابی!
رئوس برنامه فوری سازمان را تکثیر و پخش کنید

۱- در حکومت شورایی که عالی‌ترین شکل دموکراسی است، اعمال حاکمیت مستقیم توده‌ها از طریق شوراهایی که به مثابه نهادهای مقننه و مجریه هر دو عمل می‌کنند، برقرار خواهد شد. سیستم انتصابی مقامات برخواهد افتاد و کلیه مناصب و مقامات نه فقط انتخابی، بلکه هر لحظه که اکثریت انتخاب کنندگان، اراده کردند، قابل عزل خواهند بود. حداکثر حقوق مقامات از متوسط دستمزد یک کارگر ماهر بالاتر نخواهد بود. در حکومت شورایی، نظام وظیفه اجباری ملغی می‌گردد و تسلیح عمومی تحت اتوریته شوراها حاکم خواهد شد. عالی‌ترین ارگان حکومتی دولت شورایی، کنگره سراسری شوراهای نمایندگان کارگران و زحمتکشان شهر و روستا خواهد بود.

۲- در حکومت شورایی دین و دولت به طور کامل از یکدیگر جدا می‌شوند. هرگونه امتیاز برای یک مذهب خاص و انحصار مذهب رسمی ملغی می‌گردد. هرگونه کمکی از بودجه دولت به نهادهای مذهبی مطلقاً ممنوع می‌شود. مدارس و آموزشگاه‌ها مطلقاً غیرمذهبی خواهند بود.

۳- برابری کلیه اتباع کشور، بر خورداری مردم ایران از کامل‌ترین آزادی‌های سیاسی، آزادی کامل و بی قید و شرط فکر و عقیده و نشر، لغو و ممنوعیت هرگونه سانسور، آزادی مطبوعات، اجتماع، تظاهرات و اعتصاب، آزادی تشکیل و فعالیت احزاب، اتحادیه‌های کارگری، شوراها و کلیه تشکل‌های صنفی و دموکراتیک.

۴- لغو هرگونه ستم و تبعیض برپایه جنسیت - لغو تمام قوانین و مقررات تبعیض‌آمیز علیه زنان، برخورداری زنان از حقوق کامل اجتماعی و سیاسی برابر با مردان. برخورداری زنان از حقوق و مزایای کامل برابر با مردان در ازای کار مساوی. لغو حجاب اجباری.

۵- لغو ستم و تبعیض ملی - برخورداری ملیت‌های ساکن ایران از خودمختاری وسیع منطقه‌ای و اداره امور توسط شوراهای منطقه‌ای. تمام ملیت‌های ساکن ایران از این حق برخوردار می‌شوند که آزادانه به زبان خود سخن بگویند، تحصیل کنند و در محل کار، مجامع و مؤسسات عمومی، نهادهای دولتی و غیره از آن استفاده نمایند.

۶- برقراری یک سیستم تأمین اجتماعی جامع و کامل به نفع کارگران و زحمتکشان به نحوی که هرکس از گهواره تا گور از مزایای سیستم تأمین اجتماعی برخوردار باشد.

- آموزش رایگان و اجباری تا پایان دوره متوسطه. آموزش عالی رایگان.

- تأمین مسکن برای تمام زحمتکشان. مادام که همه مردم صاحب مسکن نشده‌اند، اجاره‌ها متناسب با سطح دستمزد کارگران تعیین و به مرحله اجرا درخواهد آمد و بخشی از هزینه‌های مسکن از طریق یارانه دولتی تأمین می‌گردد.

- ایجاد کار برای بیکاران. حکومت شورایی موظف به اشتغال بیکاران است. مادام که بیکاری هنوز وجود دارد، پرداخت حق بیکاری متناسب با تأمین سطح هزینه‌ها و تأمین معیشت بیکاران.

۷- لغو تمام قراردادهای موقت و اشتغال رسمی کارگران و تمام کارمندان مؤسسات.

- تعیین حداقل دستمزد کارگران متناسب با سطح هزینه‌ها و تأمین

سخنان روحانی بازتاب وضعیت جمهوری اسلامی

مصاحبه‌ی طولانی بار دیگر استعداد درخشان سران جمهوری اسلامی در دروغ‌گویی، وارونه‌نمایی واقعیت‌ها و گریز از پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری را نشان داد.

اگر وی پیش از این، تمام معضلات اقتصادی را به دولت یا دولت‌های پیشین نسبت می‌داد، این بار نشسته در ماشین زمان، بدون اشاره مشخص به این مشکلات، "برخی" از آن‌ها را به دوران پیش از انقلاب نسبت داد. هرچند توضیح نداد، چرا ۴۰ سال برای حل "برخی از مشکلات" کافی نبوده و حتی در این مدت، روز به روز شدیدتر و گسترده‌تر شده‌اند. وی البته مردم معترض در دی ماه را نیز بی‌نصیب نگذاشت و مدعی شد این اعتراضات به "خارجی‌ها و به خصوص آمریکایی‌ها پیام دادند که می‌توانند با فشار بیشتر مشکلات اقتصادی و اجتماعی ایران را بیشتر کنند. آن چه ناگفته می‌ماند علت "اعتراضات" است؛ یعنی گرانی، فقر، چپاول، بیکاری، فساد و ده‌ها معضل دیگر. آنچه نادیده گرفته می‌شود، اعتراضات پیش از آن است. اعتراضات و اعتصابات که از ماه‌ها پیش به ویژه از سوی کارگران، معلمان و دانش‌آموزان شدت گرفته بودند.

وی وقیحانه در حالی از "همکاری مردم با دولت" پس از اعتراضات دی ماه سخن می‌گوید که اعتراضات کارگری و مردمی، پس از آن هم، همچنان ادامه داشته و از ۹ مرداد، در چندین شهر از جمله اصفهان، گوهردشت، شیراز، رشت، تهران، قزوین، زنجان، اهواز و چندین شهر دیگر، باز مردم به خیابان آمده و علیه رژیم و سران آن شعار می‌دادند. اعتراضاتی که بار دیگر به مدد گسلی گله‌های پلیس و بسیجی و سپاهی رژیم سرکوب یا به کلام روحانی "مهاری" شدند.

با شاید منظور وی "از همکاری مردم با دولت"، نزدیکی جناح‌های رقیب در جمهوری اسلامی در قوای سه‌گانه و نیروهای انتظامی و نظامی رژیم و هم‌صدایی آنان در سرکوب مردم است. ماه عسلی که چندان به دراز نکشید، چرا که استمرار اعتراضات آنان را سرآسیمه و آداشته است بیش از گذشته انگشت اتهام به سوی یکدیگر دراز کنند و "دیگری" را مسئول مصایب کنونی جامعه معرفی کنند.

وی با اشاره به بخشی از مشکلات مردم از جمله "مشکلات آبی به دلیل خشکسالی"، "مشکلاتی در تأمین برق" و در کنار آن‌ها "مشکلاتی نظیر محیط زیست و مسایل ارزی"، علت رویدادهای اخیر را به یک "احساس نگرانی" در میان مردم تقلیل می‌دهد و منکر واقعیت زندگی توده‌های کارگر و زحمتکشی می‌شود که تورم ۲۰۰ درصدی برخی از کالاها، آنان را به فقر فقر هولناکتری پرتاب کرده است. بیهوده نیست کاربری در توییتر نوشته: "ما از جناب آقای روحانی بخاطر مشکلاتی که توهم داشتیم که هست و دیشب فهمیدیم که نیست عذر می‌خوایم همه چی خوب و ارومه".

این مصاحبه بار دیگر نشان داد روحانی حاضر نیست کوچکترین مسئولیتی در قبال وضعیت فعلی بر عهده گیرد. او تمامی تقصیرها را به

گردن "اغتشاش‌گران" دی ماه و خروج آمریکا از برجام و تحریم‌ها می‌اندازد، اما در اسفند ۹۵، یعنی پس از امضای برجام، جمعی از اقتصاددانان رژیم در نامه‌ای خطاب به وی از "وضعیت بسیار خطرناک" اقتصادی گفته بودند و آن را "نتیجه سیاست‌های دولت" وی دانسته بودند. (نامه ۴۰ اقتصاددان به روحانی). در همان روز ۱۵ مرداد نیز بار دیگر ۳۸ اقتصاددان دیگر، ۲۹ علت را برای مشکلات اقتصادی برشمردند.

هرچند هیچ یک از این اقتصاددانان به ریشه‌های بحران اقتصادی نزدیک نشده‌اند. بحرانی که در نظام سرمایه‌داری حاکم بر ایران ریشه دارد و سیاست‌های مخرب کابینه‌های متعدد رژیم آن را تعمیق بخشیده‌اند.

روحانی در سخنرانی‌اش با اغتشاش مرز "مردم" با "سرمایه‌داران و سران رانت‌خوار و فاسد رژیم و وابستگان آنان"، بار دیگر بر سر مردم منت می‌گذارد که "ما به مردم گفتیم هر چه می‌خواهید وارد کنید، به شما ارز می‌دهیم، با یک قیمت مناسب ۴۲۰۰ تومانی. اما عده‌ای آمدند و سوءاستفاده کردند." این "مردم" که هستند؟ مردمی که گاهی ماه‌هاست رنگ گوشت

در سفره خود ندیده‌اند یا تاجران و مقامات دولتی و وابستگان به آنان؟ چنان چه پس از افشای بخشی از فسادها معلوم شد وزارتخانه و نهاد دولتی نبوده است که از این خوان یغما بی‌نصیب مانده باشد.

وی در این مصاحبه اعلام می‌کند در آینده قرار است ارز دولتی تنها به واردات کالاهای اساسی مردم اختصاص داده شود؛ قرار است "همه چیز را شفاف در اختیار مردم بگذاریم"، با "فساد با شفافیت مبارزه می‌کنیم". ادعای مبارزه با فساد در سیستمی سراپا فاسد و توسط فاسدان، بیش از آن مضحک است که نزد مردم خریداری بیابد. در همین پرونده اخیر فساد ارزی، بانک مرکزی در لیست خود تنها ۲ و نیم میلیارد دلار از ارزی‌گیران را مشخص کرده است و در این میان گیرندگان ۹ میلیارد دلار به همراه ارزها و کالاها گم شده‌اند. روحانی برای اطمینان بیشتر اعلام می‌کند، برای جلوگیری از خروج کالا و سوخت و ارز، سپاه از مرزهای جنوب و شرق و غرب حفاظت می‌کند. یعنی همان نیروی معروف به "برادران قاچاقچی" که روزی نیست یک یا چند کولبر و سوختبر فقرزده‌ای را که برای کسب لقمه‌ای نان به این کار روی آورده‌اند، به گلوله بنبندند.

سخنان روحانی در این مصاحبه بازتاب وضعیت جمهوری اسلامی است. رژیمی که به بن‌بست رسیده است، توده‌های کارگر و زحمتکش به رویارویی‌اش برخاسته‌اند و حرفی برای گفتن ندارد جز تهدید و تلاش برای ارباب. او به هپالکی‌هایش دلگرمی می‌دهد: "نظام ما از همیشه مستحکم‌تر است. قوای سه‌گانه کاملاً در کنار هم هستیم. نیروهای مسلح ما متحد هستند. رهبری مسئولیت سنگینی دارد و به استحکام دارد نظارت خود را انجام می‌دهد. ما هیچ دغدغه‌ای نسبت به آینده نباید داشته باشیم." اما تجربه انقلاب‌ها و سقوط رژیم‌ها ثابت کرده است

کمک های مالی

کانادا- ونکوور

دمکراسی شورایی ۱ ۵۰ یورو

دمکراسی شورایی ۲ ۵۰ یورو

دمکراسی شورایی ۳ ۵۰ یورو

سوئیس

علی‌اکبر صفایی فراهانی ۳۰ فرانک

سیامک اسدیان (اسکندر) ۴۰ فرانک

حمید اشرف ۳۰ فرانک

محمد کاسه‌چی ۵۰ فرانک

امیر نبوی ۵۰ فرانک

دانمارک

هوشنگ احمدی ۲۰۰ کرون

دکتر نریمپسا ۲۰۰ کرون

خروش (اوت) ۲۰۰ کرون

سوئد

یاد رفیق بیژن جزئی گرامی باد ۲۰۰ کرون

از صفحه ۳

از برکناری وزیر کار تا به زیر کشیدن تمام نظم موجود

استیضاح علی ربیعی و در نهایت جایگزینی وزیر کار، اما هیچ کارگری را نسبت به این‌که گویا جمهوری اسلامی درصدد اصلاح و تغییر و بهبود شرایط به سود مردم است، متوهم نخواهد کرد. چه کسی است که نداند خانه از پای بست ویران است و دستکاری و ترمیم "نقش ایوان" مشکلی را حل نخواهد کرد؟

وزیر کار، قربانی شرایط سیاسی جامعه‌ای در حال التهاب و دگرگونی است. التهابی که در خیزش توده‌ای دی‌ماه ۹۶، امکان بروز یافت و با اعتصابات مکرر کارگران و اعتراضات پیوسته توده‌ای در شهرهای مختلف، تا به امروز ادامه یافته است. جنبش اعتراضی توده‌ای در تداوم و تکامل خود، می‌رود تا نه فقط این یا آن مهره مهم و جنایت‌کار بنام، بلکه کل رژیم جنایتکاران را از سر راه خود بردارد. این کاملاً درست است که از استیضاح و برکناری وزیر کار تا به زیر کشیده شدن تمام نظم موجود فاصله درازی هست، اما این فاصله با شتاب غیرقابل تصویری در حال طی شدن است. جانشین علی ربیعی، کابینه روحانی، شخص خامنه‌ای و کل دستگاه حکومتی بدانند و آگاه باشند که کارگران و زحمتکشان ایران به کمتر از تعیین تکلیف قطعی و نهایی با کل نظام حاکم و به گور سپردن آن رضایت نخواهند داد.

در برابر امواج سهمگین مبارزات کارگران و زحمتکشان، این قوای پوشالی از هم خواهد پاشید و سران جنایت‌کار رژیم و وابستگان‌شان ناگزیر به گریزند. "دغدغه‌ای که آنان را واداشته بر چپاول و زدوی و خروج حاصل دسترنج مردم از کشور بیفزایند.

کوه لرزید و غرید و سر آخر موش زایید

این که دارندگان دلارهای خانگی به بازار هجوم آورده تا دلارهای شان را بفروشند. هر روز و هر ساعت خبری در مورد موفقیت بسته جدید اقتصادی و کاهش ارزش دلار و طلا. اما تنها چند روز کافی بود تا بار دیگر دلار به مرز ۱۱ هزار تومان برسد و بهای سکه نیز تا چهار میلیون و سیصد هزار تومان بالا رود. بدین ترتیب تمام تبلیغات رژیم از موفقیت بسته اقتصادی به سنگ سخت برخورد و کوه موش زایید.

اینجا بود که بار دیگر رقبای روحانی از جمله امامان جمعه، شخص روحانی و کابینه‌ی وی را مقصر وضعیت اقتصادی اعلام کردند و از سوی دیگر حامیان وی از جمله زیباکلام به صدا درآمده و گفتند که همه‌ی مشکلات اقتصادی کشور به خاطر سیاست خارجی است!! این همه‌ی دانش حامیان و رقبای روحانی در رابطه با علت معضلات اقتصادی بود. علم‌الهدی امام جمعه مشهد و نماینده خامنه‌ای در نماز جمعه گفت: "دلار ۳۰۰۰ تومان بود مذاکره کردید شد ۱۰۰۰۰ تومان باز می‌خواهید مذاکره کنید؟". وقتی تمام مشکلات اقتصادی کشور که دهه‌ها پابرجاست، به مذاکره با آمریکا ختم شود، برآستی چه انتظاری می‌توان از سیاست‌های اقتصادی حاکمیت برای نه حل، بلکه حتما تخفیف بحران اقتصادی رکود - تومی داشت!!

اما بسته اقتصادی جدید چیست؟! اعلام دلار ۴۲۰۰ تومانی برای ۲۵ قلم کالا به نام کالاهای اساسی که قرار است تا اردیبهشت سال آینده تغییری نکند و آزاد شدن خرید و فروش ارزهای خارجی برای واردات سایر کالاها و ارز مسافرتی. بهای دلار در این بازار نیز توافقی می‌باشد و قرار است "عرضه و تقاضا" قیمت ارزهای خارجی را تعیین کند!! حال جدا از هیاهوی حاکمیت باید دید به طور واقعی تاثیر بسته اقتصادی جدید چیست و چه نتایجی به بار خواهد آورد؟

ابتدا از کالاهای اساسی شروع کنیم. تا پیش از این کالاهای اساسی با دلار ۳۵۰۰ تومانی وارد می‌شدند. وقتی که دلار ۴۲۰۰ تومانی (دلار جهانگیری) مطرح شد، قرار بر این گردید تا برای جلوگیری از گران شدن کالاهای اساسی، به واردات این نوع کالاها یارانه تعلق بگیرند و به عبارت دیگر واردات کالاهای اساسی همان ۳۵۰۰ تومان به ازای یک دلار باشد. در بسته جدید اما از این یارانه خبری نیست. بدین ترتیب بر بهای کالاهای اساسی ۲۰ درصد فقط بابت گران‌تر شدن بهای دلار افزوده می‌شود و این ۲۰ درصد رقم کمی برای کارگران و زحمتکشان نیست، رقمی که یکر است از جیب آن‌ها به جیب دولت سرازیر می‌شود.

اما مشکل فقط به این ۲۰ درصد ختم نمی‌شود. برای نمونه عزیزاللهی رئیس اتحادیه سراسری دامداران کشور در گفتگو با خبرنگار مهر از بیش از دو برابر شدن هزینه تولید گوشت در ایران خبر داد. وی گفت "قیمت یونجه سال قبل ۷۵۰ تومان بوده و امسال به ۱۵۰۰ تومان رسیده، قیمت سیوس از ۵۰۰ تومان به ۱۱۰۰

تومان و نرخ گاه از کیلویی ۲۰۰ تومان به ۵۰۰ تومان رسیده است". به عبارت دیگر تورم بیش از ۱۰۰ درصدی در غذای دام که نتیجه‌ی تشدید بحران اقتصادی رکود - تومی است، عامل مهم دیگری در افزایش بهای کالاهای ضروری توده‌ها خواهد بود.

بدین ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که افزایش بهای کالاهای اساسی با توجه به افزایش بهای دلار و تورم افسارگسیخته کنونی، برای کارگران و زحمتکشان از ۲۰ درصد نیز بیشتر خواهد بود که تاثیر بسیار مخربی بر وضعیت معیشتی آن‌ها خواهد داشت. البته بسته به این‌که کالاهای اساسی چه مسیری را از مرحله‌ی واردات تا رسیدن به دست مصرف‌کننده‌ی نهایی طی کنند، می‌توان این انتظار را هم داشت که بسیاری از این کالاها در نهایت در سیستم فاسد و ناکارای حاکم حتما تا ۱۰۰ درصد افزایش قیمت پیدا کنند، بویژه با توجه به این که بهای دلار برای واردات سایر کالاها از جمله کالاهای واسطه‌ای و مواد اولیه دو برابر و نیم کالاهای اساسی و در واقع بیش از سه برابر بهای دلار ۳۵۰۰ تومانی است که پیش از این به مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای کارخانجات تعلق می‌گرفت.

واقعیت این است که صنایع ایران از نظر ماشین‌آلات، کالاهای واسطه‌ای، و مواد اولیه عموماً به خارج وابسته هستند. تنها در برخی از رشته‌های تولید کارگاهی این وابستگی کمتر به چشم می‌آید اما در صنایع دیگر این وابستگی شدید است. حال این صنایع باید با ارز آزاد مواد مورد نیاز خود را تأمین کنند و با توجه به آغاز تحریم‌ها و هزینه‌های اضافه‌ای که تحریم تحمیل می‌کند، بهای کالاهای تولید داخل نیز به شدت افزایش می‌یابد. به‌گفته‌ی شریعتمداری وزیر صنعت، معدن و تجارت "۸۲ درصد از واردات کشور کالاهای سرمایه‌ای، مواد اولیه و واسطه‌ای است و تنها ۱۸ درصد از واردات کالاهای مصرفی است که بخشی از آن را محصولاتمانند ذرت، کنجاله سویا و روغن خام وارداتی تشکیل می‌دهد". بنابر این با بسته جدید اقتصادی تورم شدیداً افزایش می‌یابد. اما تاثیر جانبی افزایش تورم، تشدید رکود اقتصادی است. عموم صنایع بسته به این‌که تا چه حد نیازهای ضروری توده‌ها را تولید می‌کنند، به دلیل کاهش قدرت خرید مردم با مشکل فروش کالا و در نهایت با خطر تعطیلی یا حداقل کاهش تولید روبرو می‌شوند که تاثیر مستقیمی در افزایش بیکاری نیز خواهد داشت.

در واقع سقوط ارزش ریال تا جایی که قیمت دلار در مدتی کمتر از یکسال سه برابر می‌شود و در

حالی که انتظار واقعی این است که سقوط ارزش ریال همچنان ادامه یابد، قربانی بزرگ آن کارگران و زحمتکشان خواهند بود که قدرت خرید آن‌ها به شدت کاهش می‌یابد، به نحوی که می‌توان گفت عموم آن‌ها به زیر خط فقر سقوط خواهند کرد. حتی اگر هزینه‌هایی همچون مسکن نیز نداشته باشند. نگاهی به میزان متوسط دستمزد و حقوق کارگران، معلمان، بازنشستگان و دیگر زحمتکشان جامعه این مساله را به‌وضوح نشان می‌دهد. حتماً بسیاری از کسبه خرده‌کار نیز به همین دلیل یا ورشکست شده و یا درآمدشان بسیار کمتر از خط فقر خواهد بود. به‌گفته‌ی وحید شقاقی شهری از اقتصاددانان جمهوری اسلامی: "زمانی که دلار در اقتصاد ما بالای ۸۰۰۰ تومان نرخ‌گذاری شده و از طرفی میانگین حقوق‌ها دو میلیون تومان است، در چنین شرایطی قدرت خرید کاهش پیدا می‌کند که باعث می‌شود خرید کالاها پایین آمده در نتیجه بازار دچار رکود شود و بسیاری از تولیدکنندگان قدرت خرید تجهیزات یا پرداخت هزینه استهلاک تولید را نخواهند داشت".

از هم اکنون بسیاری از کالاها و خدمات قیمت‌شان دو تا سه برابر افزایش یافته است. جدا از لوازم خانگی که افزایش بهای آنها عملاً منجر به تعطیلی و بیکاری فروشندگان این کالاها شده است، افزایش دو تا سه برابری بهای بلیط هواپیما یک نمونه دیگر آن در روزهای اخیر است.

در یک کلام در حالی که قدرت خرید ریال به شدت کاهش یافته و از جمله بهای ارزهای خارجی در برابر ریال حدوداً سه برابر شده است، عدم افزایش دستمزد و حقوق کارگران، بازنشستگان، معلمان و دیگر زحمتکشان جامعه نتیجه‌ای جز افزایش فقر، رانده شدن گروه‌های باز هم بیشتری از اقشار متوسط جامعه به زیر خط فقر و در نتیجه تشدید رکود اقتصادی و به دنبال آن افزایش بیکاری به‌همراه نخواهد داشت. روحانی نیز در طول این سال‌ها نشان داده که خیال افزایش دستمزدها را ندارد. در لحظه‌ی کنونی برای این که قدرت خرید کارگران حداقل به سال گذشته برگردد، دستمزدها نیز باید حداقل دو برابر شوند.

اگرچه دارودسته‌ی روحانی با آزاد کردن قیمت دلار (ارزهای خارجی) به یکی از آرزوهای دیرینه‌ی خود رسید، اما این اتفاق از نظر سیاسی و اقتصادی در بدترین شرایط برای جمهوری اسلامی افتاد. بسته جدید اقتصادی، بسته‌ای که بدون در نظر گرفتن منافع اکثریت بزرگ جامعه و به ضرر آن‌ها تهیه شده، جدا از شکست و ناتوانی‌اش در مقابله با کاهش ارزش ریال، به بحران اقتصادی و در نتیجه به بحران سیاسی و اجتماعی کنونی دامن زده و توده‌های بیشتری را برای سرنگونی جمهوری اسلامی به خیابان‌ها و اعتصاب خواهد کشاند.

رژیم جمهوری اسلامی را باید

با یک اعتصاب عمومی سیاسی

و قیام مسلحانه

بر انداخت

هراس افکنی، سلاح جدید "اصلاح طلبان" در مقابله با انقلاب توده ها

شود، هرچه شعار "اصلاح طلب، اصولگرا-دیگه تمومه ماجرا" وسعت و دامنه بیشتری به خود می گیرد، خاتمی هم با توسل به سلاح هراس افکنی بیش از پیش به مقابله با انقلاب توده ها برخاسته است.

محمد خاتمی در دیداری که هفته پیش با نمایندگان ادوار مجلس شورای اسلامی داشت ضمن تاکید بر اینکه "اصلاح طلبان به لحاظ اعتقادی و تحلیلی، خود را در کنار جمهوری اسلامی و مدافع آن می دانند"، خطاب به توده های معترض گفت: "مطمئن باشید با دامن زدن به اعتراضات و تضعیف حکومت، هرج و مرج ایجاد خواهد شد و از دل آن دیکتاتوری گسترده ضد مردمی بیرون خواهد آمد که ممکن است به تجزیه کشور بیانجامد. این طور نیست که با ایجاد هرج و مرج به امید رفتن جمهوری اسلامی همه مشکلات حل شود".

خاتمی، این رئیس جمهور به ظاهر اصلاح طلب نظام اسلامی، همان کسی که در پایان دوران ۸ ساله ریاست جمهوری اش، خود را "تدارکاتچی" نظام خواند، اکنون با وقاحتی شمنز کننده مردم معترض و جان به لب رسیده را به صبر و انتظار در مسیر "اصلاح نظام" فرا می خواند. او و همفکرانش که در دیماه گذشته به صورت علنی و تمام قد در مقابل توده های معترض صف آری کردند و همصدا با خامنه ای خواهان سرکوب مردم شدند، متوجهانه بر این خیال باطل هستند که هنوز در میان توده های سرکوب شده جایی دارند و با این گونه موعظه ها می توانند آنان را به حمایت از نظام استبدادی و فاسد جمهوری اسلامی بکشانند. غافل از اینکه در وضعیت موجود، در شرایطی که جامعه در تب و تاب یک انقلاب اجتماعی است و کارگران و زحمتکشان برای سرگونی انقلابی جمهوری اسلامی خیز برداشته اند، خاتمی و یا هر کس دیگری که بخواهد از جمهوری اسلامی حمایت کند و یا در مسیر بقاء این نظام منفور تلاش نماید، مطمئنا در میان مردم جایی ندارد. نه تنها جایی ندارد، بلکه توده ها این مرتجعین را دشمن خود می دانند.

محمد خاتمی در فراز دیگری از سخنان خود به خوبی نشان داده است که چگونه در مقابل مردم ایستاده و نظام را به سرکوب آنان ترغیب می کند. او با اعتماد و اعتقادی راسخ به توانمندی ارگان های سرکوب و امنیتی جمهوری اسلامی، فروپاشی نظام را "جنگ روانی" دشمن دانسته و می گوید: "یکی از القائات خطرناک، این است که نظام جمهوری اسلامی در حال فروپاشی است. این یک جنگ روانی است و نظام فرو نمی پاشد، زیرا علاوه بر ابزارهای مختلفی که برای حفظ خود دارد، همچنان در میان بخش های قابل توجهی از جامعه پایگاه دارد. مطالبه بخش های بسیار بزرگتری از جامعه نیز همچنان انقلاب، شورش و فروپاشی نیست، بلکه زندگی امن و برخوردار و آرام است و اگرچه ممکن است اعتقادی به جمهوری اسلامی هم نداشته

باشند، اما خواهان آرامش و امنیت و برخورداری هستند".

اینکه توده ها معترض و ستمدیده خواهان آرامش و امنیت هستند و برخورداری از آسایش و رفاه، بهداشت و درمان رایگان، تامین بیمه های اجتماعی، تامین امکانات یک زندگی مناسب، آزادی بیان و عقیده، حق تشکل و فعالیت احزاب و سازمان های سیاسی را حق مسلم خود می دانند، سختی کاملا درست و بجاست. اما، همه این مطالبات که فقط بخش کوچکی از خواست های انقلابی کارگران و زحمتکشان است، هرگز با بودن جمهوری اسلامی متحقق نخواهد شد. تحقق "آرامش و امنیت" آنهم با ماندگاری یک رژیم ارتجاعی که طی چهار دهه، توده ها را سرکوب کرده و جامعه را به فقر فرو برده است، هرگز امکان پذیر نیست. اگر چنین چیزی شدنی بود، دست کم گوشه ای از این آرامش و امنیت می بایست در این ۴ دهه تحقق می یافت.

توده های زحمتکش ایران، طی ۴۰ سال گذشته، انواع رنگارنگ کابینه های جمهوری اسلامی را تجربه کرده اند. آنان هرگز سال های سرکوب و کشتار عریان دهه ۶۰ را فراموش نمی کنند، همان سال هایی که خاتمی و "اصلاح طلبان" حکومتی از آن به عنوان "دوران طلایی" خمینی یاد می کنند و در حسرت بازگشت به آن هستند! آنان، دوران هشت ساله کابینه تکنوکرات هاشمی رفسنجانی را دیده اند. سال هایی که نظام جمهوری اسلامی تحت هدایت کابینه رفسنجانی پیشبرد سیاست اقتصاد نئولیبرالی بانک جهانی و صندوق بین المللی پول را پیشه کرد. سیاستی که گرانی، تورم لجام گسیخته، بیکاری و حاشیه نشینی را برای کارگران و توده های زحمتکش به ارمغان آورد.

توده های مردم ایران دوران پر فریب "اصلاحات" خاتمی را هم تجربه کرده اند. دوران هشت ساله ای که محمد خاتمی، رئیس جمهور "اصلاح طلب" جمهوری اسلامی، سرانجام با گفتن اینکه او در حد یک "تدارکاتچی" نظام بوده است، سبکسرانه از مسئولیت های خود و کابینه اش شانه خالی کرد و با زبان بی زبانی بر اصلاح ناپذیری نظام صحه گذاشت.

احمدی نژاد و تجربه ویرانگر دو دوره ریاست جمهوری او هم که دیگر نیاز به توضیح ندارد. دورانی که زندگی فلاکت بار کارگران و توده های ستمدیده ایران وخیم و وخیم تر شد؛ هشت سالی که سطح معیشت مردم به فقرا رفت، فقر و نداری، گرانی و بیکاری و تورم افسار گسیخته بر گلوی مردم تیغ کشید. دوران هشت ساله ای که جامعه یکسر به فساد، تباهی و ویرانی کشیده شد.

دوران ۵ ساله ریاست جمهوری حسن روحانی نیز که معرف حضور همه است. کابینه ای که تحت عنوان دولت "تدبیر و امید" به قدرت رسید. رئیس جمهوری که احیای "حقوق شهروندی" زنان را فریاد کشید، چرخش همزمان

سانتریفیوژها و معیشت مردم را نهب زد، بر کاهش فضای امنیتی، تامین آزادی نویسندگان، روزنامه نگاران و فعالان اجتماعی تاکید کرد و برای برون رفت از بحران رکود - توری حاکم بر اقتصاد کشور، وعده های رنگارنگ داد. اکنون اما، با گذشت ۵ سال، نه تنها هیچکدام از وعده های توخالی حسن روحانی محقق نشده است، بلکه بحران اقتصادی موجود طی همین مدت ۵ سال آنچنان تعمیق یافته که فقط در یک سال گذشته با سقوط بهمن وار ارزش ریال، دلار ۳۷۰۰ تومانی به بیش از ۱۱ هزار تومان صعود کرده است.

در واقع، آنچه کارگران، زحمتکشان و دیگر اقشار مختلف جامعه را به اعتراضات خیابانی کشانده و ضرورت یک انقلاب اجتماعی را در دستور کار آنان قرار داده است، وجود همین واقعیات ملموس است. واقعیتی که خاتمی و اصلاح طلبان حکومتی آگاهانه به انکار آن برخاسته اند. خاتمی و بخشی از اصلاح طلبان حکومتی هنوز هم نمی خواهند قبول کنند که نظام جمهوری اسلامی رفتنی است. سخنان هراس افکنانه خاتمی و تاکید مجدد او بر راهکارهای "اصلاح نظام" ناشی از همین شرایط بحرانی و فروپاشی جمهوری اسلامی ایران است. تاکید خاتمی مبنی بر اینکه: حتی خود اصلاحات هم باید اصلاح پذیر باشد و نظام جمهوری اسلامی باید ببیند که برخی رفتارها و سیاستها و ساختارهایش را اصلاح کند"، از جمله دیگر افاضات اوست که هنوز هم در توهم "اصلاحات" است. افاضاتی که با طرح یک سری شعارهای فریبنده در مسیر اصلاح نظام و انتقاد از عملکرد کابینه روحانی، تلاش می کند تا صف خود و "اصلاح طلبان" حکومتی را از کابینه روحانی جدا سازد. آنهم اصلاح نظامی ارتجاعی، سرکوبگر و فاسد که توده ها اکنون با عزمی راسخ برای برانداختن آن خیز برداشته اند.

بهرتر است واقعیت شکست شعارهای خاتمی و یاران او را از زبان علوی تبار یکی از عناصر شاخص "اصلاح طلبان" حکومتی بشنویم. علوی تبار در مصاحبه با خبر آنلاین گفته است: "مردم دیگر به جناح های مختلف اعتماد ندارند و سخنان زیبای آن ها را چندان جدی تلقی نمی کنند. به ویژه تصور عمومی این است که همه جناح ها فاسدند و نمی خواهند چیزی تغییر کند". اینکه همه جناح های رژیم، ارتجاعی، فاسد و تبهکارند، کمترین تردیدی در آن نیست. در واقع همین تبهکاری آنان است که هیات حاکمه ایران را به تکاپو واداشته تا برای حفظ نظم ارتجاعی موجود، خود را به آب و آتش بزنند. وحشت خاتمی اما، علاوه بر خطر فروپاشی نظام، وحشتی فزاینده تر از بی اعتنائی و بی اعتمادی توده ها نسبت به او و دیگر مدعیان دروغین "اصلاح طلبی" است. واقعیتی ملموس که از دیماه ۹۶ با خیزش سلحشورانه جوانان و توده های زحمتکش ایران و پیامد آن همه گیر شدن شعار "اصلاح طلب، اصولگرا-دیگه تمومه ماجرا" خواب محمد خاتمی و دیگر اصلاح طلبان حکومتی را آشفته کرده و آنان را هر چه بیشتر به هراس افکنی در دل توده های معترض برای ممانعت از اعتراض و انقلاب کشانده است.

هراس افکنی، سلاح جدید "اصلاح طلبان" در مقابله با انقلاب توده ها

برای ارتباط با **سازمان فدائیان (اقلیت)** نامه‌های خود را به آدرس زیر ارسال نمایید.

سونیس:

Sepehri
Postfach 410
4410 Liestal
Switzerland

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال کنید.
شماره حساب:

Gironummer 2492097

نام صاحب حساب: Stichting ICDR

IBAN:
NL08INGB0002492097
BIC: INGBNL2A
Amsterdam, Holland

نشانی ما بر روی اینترنت:

<http://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

info@fadaian-minority.org

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان (اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>
آدرس کانال سازمان در تلگرام:

http://T.me/fadaian_aghaliyat
آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat>

آدرس سازمان در تویتر

<https://twitter.com/fadaiana>
آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat>
آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat>

ای میل تماس با نشریه کار:

kar@fadaian-minority.org

KAR Organization
Of Fadaian (Aghaliyat)
No 785 August 2018

کارگران و توده های جان به لب رسیده را از اعتراضات خیابانی و اقدام به یک انقلاب اجتماعی به هراسانند.
محمد خاتمی که از دی ماه گذشته در پی اعتراضات وسیع توده ای و سر دادن شعار پر معنای "اصلاح طلب، اصولگرا- دیگه تمومه ماجرا" خواب از چشمانش پریده است، در هر فرصتی که تا کنون برایش پیش آمده، با سخنرانی های پر طمطراق و هراس افکنانه خود، کارگران و توده های معترض را به وفاداری و حمایت از جمهوری اسلامی فرا خوانده است. او هر بار با تکیه بر او هام ذهنی خود مبنی بر اینکه با سقوط جمهوری اسلامی، ایران به سمت "هرج و مرج، دیکتاتوری" و "تجزیه" پیش خواهد رفت، کارگران و توده های جان به لب رسیده را از مبارزه برای براندازی نظام فاسد، سرکوبگر و تبهکار جمهوری اسلامی منع می‌کند. به نظر می رسد هرچه جمهوری اسلامی به فروپاشی و سقوط محتوم خود نزدیکتر می‌شود صرفحه ۷

پوشیده نیست که دست یابی به چنین امکاناتی بدون عبور از سد جمهوری اسلامی هرگز ممکن نیست. کارگران و توده های زحمتکش ایران، طی ۴۰ سال حاکمیت ننگین جمهوری اسلامی به عینه دریافته اند که با بودن جمهوری اسلامی کمترین روزنه امیدی برای رهایی از شرایط وخامت بار موجود برایشان مقدور نیست. آنان طی این مدت به تجربه دریافته اند که جمهوری اسلامی برای شان بجز فقر و گرسنگی، سرکوب و کشتار، خفقان و ناامنی، بیکاری و حاشیه نشینی، و سلب آزادی های فردی، سیاسی و اجتماعی هیچ بهره دیگری نداشته است.
در چنین وضعیتی، که فساد، از هم گسیختگی و بحران های همه جانبه سر تا پای جمهوری اسلامی را فراگرفته است، و کارگران و توده های ستمدیده ایران برای رهایی از وضعیت اسفبار موجود به انقلاب روی آورده اند، "اصلاح طلبان" حکومتی و به طور اخص محمد خاتمی، رئیس جمهور اسبق و "ممنوع التصوير" نظام، با وحشتی فزاینده وارد میدان شده اند تا



shora.tv@gmail.com

تلویزیون دکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسان های زحمتکش، شریف و ستم دیده ای است که برای آزادی و سوسیالیسم پیکار می‌کنند

بدینوسیله به اطلاع علاقمندان تلویزیون دمکراسی شورایی می‌رسانیم که: برنامه های تلویزیون دمکراسی شورایی روی شبکه ۲۴ ساعته تلویزیون "دیدگاه" از اول ژوئن ۲۰۱۷ برابر با ۱۱ خرداد ۱۳۹۶ به جای ماهواره هانتبرد مجدداً از ماهواره یاست پخش می‌شود.

مشخصات ماهواره:

ماهواره یاه ست Satellite Yahsat
فرکانس ۱۱۷۶۶ Frequency
عمودی Polarization Vertical
سیمبل ریت ۲۷۵۰۰ Symbol rate
اف ای سی ۵ / ۶ FEC

ساعت پخش برنامه های تلویزیون دمکراسی شورایی:

چهارشنبه ها ساعت نه و نیم شب به وقت ایران
(ساعت ده صبح به وقت لس آنجلس و هفت عصر به وقت اروپای مرکزی)
بازپخش این برنامه: روز پنجشنبه نه و نیم صبح به وقت ایران
(ده شب پنجشنبه به وقت لس آنجلس و هفت صبح پنجشنبه به وقت اروپای مرکزی)

اینترنت:

در صورت عدم دسترسی به تلویزیون ماهواره ای، می‌توانید از طریق اینترنت نیز برنامه های تلویزیون دمکراسی شورایی را مشاهده کنید.
۱- بطور زنده در ساعات ذکر شده، در سایت تلویزیون دیدگاه و شبکه رسانه ای "جی. ال. ویز"

www.didgah.tv
www.glwiz.com

۲- به صورت آرشیو، در سایت سازمان فدائیان - اقلیت:

<http://www.fadaian-aghaliyat.org/>
<https://tvshora.com/>

ساعت و زمان برنامه را به خاطر بسپارید و به اطلاع دوستان و آشنایان خود برسانید.
توجه: بینندگان عزیز تلویزیون دمکراسی شورایی جهت اطلاع؛ سالی دو بار - در پائیز و بهار - بطور ناهمزمان در ایران، اروپا و امریکای شمالی ساعات تغییر می‌کنند که البته هر بار پس از چند هفته، ساعات این سه منطقه یکسان می‌شوند.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی